

خداوند متعال در آیه ۱۶ سوره مبارک اعراف از قول شیطان می‌فرماید: **قَالَ فِيمَا أُغْوِيْتَنِي لَأَفْتُنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ**; «خداایا! چون تو من را گول زدی و اغوا کردی، حالاً من برای این بنی آدم در صراط مستقیم تو می‌نشینم و نمی‌گذارم به تو برسد!» شیطان در این آیه گمراهی خود را به خداوند نسبت می‌دهد، درحالی که او با اختیار خود در مورد تکلیف الهی، این عصیان را انجام داد و گمراه شد. پس در واقع نافرمانی و گناه خود را به تقدیر و قضا و قدر الهی نسبت داد. کاری شیطانی است.

متأسفانه برخی مردم مانند شیطان فکر می‌کنند که اگر خداوند واجبات شرعی و تکالیف الهی را واجب نمی‌کرد، آن‌ها دچار مشکل نمی‌شدند. البته منظور از صراط مستقیم، دل انسان است. تمام عبادت‌های حقیقی از سرچشمه دل صورت می‌گیرد. انسان وقتی دل بسته و مشغول خدا شد، به خدا می‌رسد. به همین منظور شیطان می‌گوید من در رهگذار دل می‌نشینم و نمی‌گذارم به تو برسد.

خداوند متعال در آیه ۱۷ سوره مبارک اعراف، مطالبی در همین باب می‌فرماید: **ثُمَّ لَآتِيَنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ**. سپس از پیش و از پشت سر و از طرف راست و از طرف چپ آن‌ها، به سراغشان می‌روم، و بیشتر آن‌ها را شکرگزار نخواهی یافت. همانطور که در معنای آیه آمده است شیطان در این آیه به خداوند متعال می‌گوید: خدایا! برای اینکه من سر راه تو بنشینم و نگذارم دل انسان به تو برسد، از چهار طرف قلب او را محاصره می‌کنم که هرچه خواست بشنود و ببیند و در نتیجه آن دلش به توی خدا مشغول شود. نتواند و جذب غیر تو شود. اگر دلت وابسته شد و دل مشغولی‌ای غیر خداوند پیدا کردی، دیگر این دل به طرف خدا نمی‌رود و متوجه خدا نمی‌شود. جوانی که مخاطب این آیات است، باید بداند که اول زندگی اوست و باید دقت کند که این دل مشغولی اکت بزرگی است که می‌تواند او را از خدا دور کند. انسان اگر می‌خواهد دل بسته هم شود، باید دل بسته کسی و چیزی باشد که همیشه پای آن بایستد و پیشیمان نشود. باید در همه عرصه‌های زندگی با او باشد تا هر زمان خواست، بتواند به او اظهار درد و حاجت کند و به او دسترسی داشته باشد.

برگرفته از خطبه‌های نماز جمعه مشهد / تنظیم: حجت‌الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

اشارت

تنها تو

ریحانه عامل‌نیک‌تدا‌عگیری اصطلاحی است که چند وقتی است در فضای اندیشه‌ای و علمی رواج پیدا کرده است. در فرهنگ لغت آکسفورد (ODE) آمده است: «تدا‌عگیری نظریه‌ای است که ما با اتصال بسیاری از ایده‌های بسیار ساده در ذهن خود فکر می‌کنیم و می‌آموزیم». هرچند در توضیح بیشتر این اصطلاح بیان شده است: «تدا‌عگیری به جای اینکه نشان دهنده یک مکتب تفکر خاص باشد، به صورت یک اصل کلی در خدمت پی‌ریزی نظریه‌های گوناگون به‌کار گرفته شده است. ریشه‌های آن را می‌توان در معرفت‌شناسی ارسطویی یافت». این منظور به حرف امروز من و استفاده‌ای که می‌خواهم از این اصطلاح بکنم، نزدیک‌تر است. وقتی کلمه‌ای را می‌شنویم یا در متنی با آن مواجه می‌شویم، برایمان آمیزه‌ای از حس و معنا القا می‌شود. امروز به روایت اهل سنت، میلاد بابرکت «پیامبر اکرم (ص)» است، وجودی که وقتی نام مبارکش را می‌شنویم، «پیامبر» یا «حضرت محمد (ص)» را از آن دریافت می‌کنیم و معنای متفاوت دیگری را نیز ممکن است در ذهن ما تداعی کند. برای شما این نام چه معنا و حسی را تداعی می‌کند؟ به نظر می‌سد از شنیدن این نام برای امت اسلامی، فارغ از فرقه و باورهای درون دینی، در کنار حس رحمت و عطاوت فوق‌العاده‌ای که به ما القا می‌شود، معنی و مفهوم «لاله‌الا...» برایمان تداعی می‌شود.

در سطور بالاتر گفتیم به روایت اهل سنت، میلاد پیامبر اسلام، حضرت محمد (ص) در روز ۱۲ ربیع‌الاول سال عام‌القیل، مطابق با حدود سال ۵۷۰ میلادی، در شهر مکه مکرّمه رخ داده است. در بسیاری از کشورهای اسلامی این روز به عنوان یک مناسبت مذهبی بزرگ، جشن گرفته می‌شود و مؤمنان با برپایی مناسک، محافل و مراسم خاص، میلاد، زندگی و سیره پیامبر اکرم (ص) را گرامی می‌دارند، زیرا برای همه مسلمانان یکتاپرست، پیامبر خاتم (ص) تدا‌عگیر رحمت و یکتایی خداوند متعال است.

احکام

نماز احتیاط

در این ستون به پرسش‌های شما درباره حکم مسائل مختلف از نظر شرعی پاسخ خواهیم داد. شما مخاطبان گرامی می‌توانید پرسش‌های خود را به شماره پیامک ۰۷۲۸۹۳۰۰ با ما در میان بگذارید.

● سؤال: اگر بر نمازگزار، نماز احتیاط واجب شده باشد، اما آن را فراموش کند و بعد از مدتی یادش بیاید، وظیفه‌اش چیست؟

● پاسخ اجمالی: نماز احتیاط در مواقعی که نمازگزار دچار شک در رکعات شود، بر او واجب می‌شود که وقت خواندن آن بلافاصله پس از نمازی است که در آن شک کرده است، پس اگر فاصله‌ای که نماز احتیاط را فراموش کرده است به قدری کم باشد که صورت نماز به هم نخورد، باید نماز احتیاط را به جا آورد و نمازش صحیح است. اما اگر فاصله زیاد شود، طبق نظر گروهی از مراجع، هم باید نماز احتیاط بخواند و هم اصل نماز را تکرار کند، ولی گروه دیگری از فقها معتقدند در این صورت، تکرار اصل نماز کافی است و نیاز به خواندن نماز احتیاط نیست.

- آیت... العظمی‌خامنهای: در فرض سؤال، هر وقت یادش آمد، بنا بر احتیاط واجب باید نماز احتیاط را بخواند و اصل نماز را هم اعاده کند.
- آیت... العظمی‌سیستانی: در فرض سؤال، نماز باطل می‌شود.
- آیت... العظمی‌مکارم‌شیرازی: در صورت فاصله، نماز احتیاط لازم نیست و باید اصل نماز را اعاده کند.
- آیت... العظمی‌شیرازی: اگر فاصله به قدری بوده که صورت نماز به هم نخورد، بنا بر احتیاط، هم نماز احتیاط را بخواند و هم اصل نماز را اعاده کند.
- آیت... العظمی‌صافی‌گلپایگانی: هر وقت متوجه شد، بنا بر احتیاط، نماز احتیاط را بخواند و نماز را هم اعاده یا قضا کند.
- آیت... العظمی‌نوری‌همدانی: در فرض سؤال، بنا بر احتیاط، نماز احتیاط را بخواند و احتیاط اصل آن نماز را نیز اعاده کند.



مروری بر آنچه درباره پیامبر اکرم (ص) در سیمای قرآن کریم آمده است

۵ کلیدواژه قرآنی برای شناخت رسول خدا (ص)

حمیده ذاکری | دوستان یکی از بهترین راه‌ها برای شناخت افراد هستند. خصوصاً آن‌ها که یار موافق هستند و در پیوند با فرد، حرف اول را می‌زنند؛ برای همین است که برای شناخت رسول خدا (ص)، باید به در خانه خود خدا رفت و با جست‌وجو در کلامش به کلیدواژه‌های برای شناخت پیامبر آخرینش رسید. قرآن حکیم به‌عنوان کلام وحی، بهترین معرف رسول گرامی اسلام (ص) است؛ منبع و مرجعی که در آیات متعدد آن شاخص‌های مختلف شخصیت و منش حضرت محمد (ص) یاد شده است. در ادامه، چند ویژگی برجسته این آخرین پیام‌آور را در کلام الهی با هم مرور می‌کنیم.

با اخلاق‌ترین که برای کمال اخلاق آمده بود

پیامبر اسوه تعالی دارای ویژگی‌های بی‌شماری است که یکی از معروف‌ترین آن‌ها اخلاق و منش اوست؛ اخلاقی که خداوند متعال در سوره قلم، آن را ستوده است و درباره‌اش چنین می‌فرماید: «به راستی که تو صاحب اخلاق عظیم و برجسته‌ای هستی». شیخ طوسی در ذیل این آیه می‌گوید: «کسی که خداوند او را به خلق عظیم بستاید، بالاتر از آن نمی‌توان مدحی کرده». اخلاق، کلیدواژه‌ای است که رسول خدا (ص) به کمال رساندن آن را یکی از دلایل بعثت خود معرفی می‌کند؛ همان ویژگی‌ای که رسول خدا (ص) با آن به دل‌ها حکومت کرد و به واسطه آن، افراد را به راه سعادت رهنمون ساخت.

سرمشقی برای همه انسان‌ها در همه میدان‌ها

خداوند متعال در سوره مبارک احزاب، آیه ۲۱ سیره رسولش را به‌عنوان یک سرمشق برای ما معرفی می‌کند که باید به آن تأسی و از آن پیروی کنیم. «مسلمانی برای شما در زندگی، رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آن‌ها که آمیزد به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند». هرچند شأن نزول این آیه، جنگ «احزاب» است، اما می‌دانیم که شأن نزول‌ها هرگز، مفاهیم آیات را محدود به خود نمی‌کنند و براساس این آیه، رسول خدا (ص) بهترین مقتدا و اسوه مؤمنان در این میدان و در همه میدان‌هاست؛ اسوه‌ای که با تأسی به آن به سعادت و خوشبختی خواهیم رسید.



رسولی که برای رحمت آمده بود

رحمت کلیدواژه دیگری است که با آن خداوند در قرآن کریم، پیامبر خود را معرفی کرده است: «و ای رسول! ما تو را نفرستادیم مگر آنکه رحمت برای اهل عالم باشی» (سوره انبیا، آیه ۱۰۷). وجود پیغمبر خاتم سبب سعادت دو جهان مردمان است؛ چراکه عمل به این و برنامه‌ای که او با خود آورده است، ناکامی‌ها و بدبختی‌ها و بیدادگری‌ها و تباہکاری‌ها را پایان می‌دهد و سرانجام منتهی به حکومت صالحان با ایمان بر معصومه جهان خواهد شد و در پایان، آنان را به نعمت جاوید و سرمدی آخرت نائل خواهد کرد.

مردی مثل مردم

برای ما که در روزگار پیامبر (ص) زیسته‌ایم، درک اینکه ایشان شخصی از مردم و با مردم بودند، عجیب و دور از ذهن است. درحالی‌که خداوند متعال از این ویژگی رسول خدا (ص) به‌عنوان صفتی برجسته یاد کرده، با تعبیر بسیار دقیق و عمیق می‌فرماید: «به یقین، رسولی از خود شما به‌سوینان آمد که رنج‌های شما بر او سخت است و اصرار بر هدایت شما دارد و با مؤمنان، رؤف و مهربان است» (سوره توبه، آیه ۱۲۸). صفتی که موجب شده بود حضرت محمد (ص) حاکم دل‌های مردم و برای سعادت و نجاتشان در کنار آنان باشند تا بتوانند مردم را در مسیر هدایت، رشد و کمال قرار بدهند.

مرز بین دوستی و دشمنی

خداوند متعال در آیه ۴۸ سوره فتح، بخش دیگری از ویژگی‌های رسول خدا (ص) و یارانش را برای ما یادگرمی‌کند: «محمد (ص) فرستاده خداست و یاران و همراهانش بر کافران، بسیار قوی‌دل و سخت و با یکدیگر بسیار مشفق و مهربان هستند». پیامبر اکرم (ص) کانون عطاوت و مهربانی برای مؤمنان و مظهر صلابت و قاطعیت در برابر دشمنان بود. ملاک مهر و قهر او، ایمان و کفر بود. نه قوم و قبیله و مال و ثروت، معیاری که برای یارانش نیز به یادگار گذاشت. در ادامه این آیه نیز به برخی دیگر از صفات پیامبر و یارانش مانند ستایش پروردگار همراه با کثرت و مداومت اشاره شده است.

روشنا

امام حسن علیه‌السلام:
الْمِرْأَحُ يَأْكُلُ الْهَيْبَةَ.

امام حسن (ع)؛ شوخی هیبت را می‌برد.
(بخارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۳).

درکنار هم

نکات کاربردی برای رفتار در خانواده بر پایه سیره امام موسی کاظم (ع)

همه ما در محیط خانواده تجربه‌های خوب و بد آمیخته با هم را چشیده‌ایم؛ تجربه‌ای که قطع نمی‌شود و در ادامه مسیر زندگی مان با هم با وجوه مختلف آن روبه‌رو خواهیم شد؛ گاهی در نقش فرزند، گاهی در نقش والد و گاهی در نقش‌های اصلی و فرعی دیگر. خوب است بدانیم ائمه اطهار (ع) چه توصیه‌هایی برای رفتار با خانواده برای ما دارند. در ادامه چند نکته از احادیث نقل شده از امام موسی کاظم (ع) را برایتان آورده‌ایم.

شفا

ماندن پای حرف و قول

● امام کاظم (ع) فرمودند: «هنگامی که به فرزندانتان وعده دادید، وفا کنید. همانا کودکان چنان می‌پندارند که شما به آن‌ها روزی می‌دهید. خداوند متعال به خاطر هیچ چیزی به اندازه زنان و کودکان، خشمگین نمی‌شود». (مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۵۵۸).

نماز خواندن با یکدیگر

● ایشان بر لزوم آشنایی کودکان با اعمال مذهبی از سنین پایین تأکید می‌کنند و می‌فرمایند: «هنگامی که فرزندانتان به هفت سالگی رسیدند، آن‌ها را به نماز فرمان دهید». (مسند امام کاظم (ع)، ج ۳، ص ۷).

تشویق کودکان به تحرک و بازی

● امام موسی کاظم (ع) در جایی دیگری می‌فرمایند: «سزاوار است کودک، شلوغ و پرتحرک باشد تا در بزرگی صبور و بردبار شود و جز این روا نیست». (مسند امام کاظم (ع)، ج یک، ص ۴۸۱).

خوش‌زبانی و مهربانی با یکدیگر

● امام بزرگوار به دو مردی که در حال فحاشی به یکدیگر بودند، فرمودند: «شروع کنید، دستم‌گرتراست و بار گناه خویش و بار گناه دوست‌ها را تا آن زمان که مظلوم تجاوز نکند، بر دوش می‌کشد». (بخارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۲۴).

راهنمایی و مشورت به افراد خانواده

● ایشان بعضی فرزندان خود را چنین اندرز می‌دادند: «فرزندم، بپرهیز از اینکه خداوند تو را در گناهی که از آن نپهی شدی، ببیند؛ بپرهیز از اینکه خداوند تو را از اطاعتی که بدان امر کرده است، دور مشاهده کند. بر تو باد به تلاش و کوشش. هرگز خود را از کوتاهی در عبادت خداوند تهی‌شمار». (تحف العقول، ص ۳۰۶).

عبادت و سفر خانوادگی

● علی بن جعفر، برادر امام کاظم (ع) می‌گوید: «چهار مرتبه در رکاب حضرت کاظم (ع) و همراه خانواده‌اش به حج رهسپار شدم. این سفرها گاه ۲۶ روز، گاهی ۲۴ روز و در بعضی زمان‌ها ۲۱ روز به درازا می‌انجامید». (بخار، ج ۴۸، ص ۱۰۰).